

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۰۷/۰۸

احمد فواد ارسلان

## از شناخت تا سیاست عملی ستراتیژی روسیه در افغانستان و معامله با امریکا



موقف جدید روسیه در برابر رژیم طالبان در افغانستان، نشاندهنده یک محاسبه ستراتیژیک است که بالاتر از مصالحه‌های منطقه‌ای یا تدابیر ضد تروریسم می‌باشد. با آن‌که مسکو اکنون نخستین قدرت بزرگ جهان است که به شکل رسمی حکومت طالبان را به رسمیت شناخته و پیوندهای دوجانبه در حال توسعه است، اما مهم‌ترین بُعد این تحول نه در خود افغانستان، بلکه در چگونگی استفاده کرملین از کابل به حیث یک وسیله فشار در برابر ایالات متحده، بخصوص در معامله با دانالد ترامپ نهفته است.

### از دشمنی تا همکاری عملیاتی

روسیه که سال‌ها مخالف حاکمیت طالبان بود، پس از بازگشت این گروه به قدرت در سال ۲۰۲۱، به شکل چشمگیر به سوی تعامل گرایش یافته است. این چرخش نمایانگر یک پذیرش واقع‌بینانه از سیاست عملی یا همان ریل‌پالیتییک می‌باشد. به رسمیت شناختن طالبان در زمانی از سوی مسکو صورت می‌گیرد که ایالات متحده و متحدان آن از چنین اقدامی خودداری کرده‌اند و خلایی به وجود آمده که روسیه به سرعت آن را پر کرده است.

برای کرملین، این اقدام تنها مربوط به افغانستان نیست. این شناخت پیام گسترده‌تری برای غرب دارد: روسیه می‌تواند در مناطق عقب‌نشینی شده یا ناکام مانده‌ی امریکا، توازن را تغییر دهد و بر جریان‌اتر بگذارد. در سطح جهانی که

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

با عقب‌نشینی امریکا و مشارکت مقطعی آن بخصوص در سیاست مبتنی بر معامله‌گری دوران ترمپ مشخص می‌شود، رژیم طالبان به حیث یک قطعه بازی سیاسی در مذاکرات جیوپولیتیک بزرگتر به کار گرفته می‌شود.

### ثبات طالبان و ابزار ستراتیژیک

یکی از تحولات نادیده‌انگاشته اما مهم در افغانستان پس از ۲۰۲۱، تحکیم قدرت طالبان است. با وجود بحران اقتصادی، عدم به رسمیت شناخته شدن جهانی و نبود کمک‌های خارجی، طالبان توانسته‌اند به جنگ طولانی پایان دهند، ناامنی گسترده را محدود و یا محو کرده‌اند و از ظهور مجدد جنگ‌سالاری جلوگیری کنند.

نمونه برجسته این دگرگونی، نزدیک‌شدن کار کانال قوش‌تپه به پایان است. این پروژه بزرگ آبیاری قرار است آب دریای آمو را به سمت شمال کشور منحرف سازد تا زمین‌های خشک را قابل کشت گرداند. این اقدام بدون کمک یا نظارت غرب صورت گرفته و ظرفیت غیرمنتظره طالبان را در ایجاد پروژه‌های زیربنایی و عمل کردن دولتی – باوجود تحریم‌ها و انزوا – نشان می‌دهد.

این پیشرفت‌ها در تضاد آشکار با جمهوری پشتیبانی‌شده‌ی غرب در افغانستان است؛ رژیمی که با وجود میلیاردها دلار کمک بین‌المللی، زیر بار فساد، ناامنی و تفرقه از هم پاشید. طالبان، با تمام سخت‌گیری‌های فکری‌شان، چیزی را فراهم کرده‌اند که رژیم پیشین نتوانست: صلح نسبی و یک تشکیلات و عمل کردن ممثل یک دولت.

### حقوق به حیث وسیله چانه‌زنی

این نظم نوظهور در افغانستان مشکلات اجتماعی سنگینی همراه داشته بخصوص برای زنان و دختران. محدودیت‌های طالبان در زمینه تعلیم و کار زنان، محکومیت جهانی را برانگیخته و مانع مشروعیت بین‌المللی آن‌ها شده است. با این حال، همین سیاست‌های سرکوبگرانه ممکن است به حیث امتیازاتی برای معامله در برابر شناسایی، کمک یا تعامل سیاسی استفاده شوند.

روسیه در این میان، از پرداختن به مسایل حقوق بشری خودداری کرده است. برای مسکو، ثبات از ارزش‌های لیبرال مهمتر است. توانایی طالبان در تحمیل نظم، هرچند غیردموکراتیک، آن‌ها را به یک شریک سودمند در منطقه‌ای پر از بی‌ثباتی تبدیل می‌کند. این طرز فکر بخصوص در تعامل با دولت دوم ترمپ که معمولاً به حقوق بشر اولویت نمی‌دهد، جذاب‌تر می‌شود.

### آسیای میانه و میز چانه‌زنی

آسیای میانه که سال‌ها حوزه نفوذ سنتی روسیه به شمار می‌رفت، اکنون با میدان جیوپولیتیک متغییری روبروست. اعتماد به نفس روزافزون طالبان، همراه با پروژه‌هایی چون کانال قوش‌تپه، این تصور را چلنج می‌دهد که کابل هنوز ضعیف یا حاشیه‌نشین است. کشورهایمانند ازبکستان و ترکمنستان، که اقتصادشان به آب، امنیت مرزی و تجارت خارج از سرحدات وابسته است – اکنون باید با حکومتی تعامل کنند که نه تنها خودمختاری را ادعا می‌کند بلکه از حمایت دیپلماتیک مسکو برخوردار است.

این وضعیت موقعیت روسیه را تقویت می‌کند. در حالی که مسکو از طریق سازمان‌های منطقه‌ای و تشکلات امنیتی نفوذ خود را در آسیای میانه بازسازی می‌کند، اکنون می‌تواند ادعا کند که به تنها بازیگری در منطقه دسترسی دارد که هیچ قدرت دیگری قادر به کنترل کامل آن نیست: طالبان. این دسترسی به وسیله برای چانه‌زنی در ستراتیژی جهانی روسیه بخصوص در برابر ایالات متحده مبدل شده است.

### ترمپ و منطق معامله

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

سیاست خارجی دانالد ترامپ با معامله‌گری، پیش‌بینی‌ناپذیری و بی‌علاقگی به تعهدات طولانی مشخص می‌شود. برخورد‌های گذشته‌اش با منازعات و اتحادها نشان می‌دهد که او باور دارد مشکلات پیچیده جهانی را می‌توان با معامله‌گری حل کرد، نه از راه مناسبات دوامدار. روسیه که این طرز دید را زیر نظر دارد، گمان می‌برد با چنین اداره‌ای که به منافع فوری توجه دارد، آزادی عمل بیشتری در معامله خواهد داشت.

در این چارچوب، رژیم طالبان به یک سرمایه تبدیل می‌شود. روسیه می‌تواند همکاری در زمینه ضد تروریسم بخصوص علیه داعش شاخه خراسان را پیشنهاد کند. همچنان می‌تواند در زمینه‌های تجارت، مهاجرت و امنیت در مورد افغانستان میانجی‌گری کند. در عوض، ممکن است امتیازهایی چون کاهش تحریم‌ها، عقب‌نشینی ناتو از اروپا شرقی یا دست بازتر در یوکرین و جورجیا را بخواهد.

این‌که این معاملات تحقق می‌یابند یا نه، نامعلوم است، اما منطق پنهان پشت آن روشن است. در جهانی که مشروعیت بیشتر بر اساس تعامل قدرت‌های بزرگ تعریف می‌شود، روسیه به طالبان نوعی اعتبار مهم داده است. در عوض، یک شریک انعطاف‌پذیر در آسیای میانه، نفوذ بر مسیرهای حیاتی آب و تجارت، و یک وسیله جدید در رابطه متشنج خود با واشنگتن به دست آورده است.

### نتیجه‌گیری: کابل به حیث وثیقه در ستراتیژی جهانی مسکو

به رسمیت شناختن طالبان از سوی روسیه یک حرکت ایدئولوژیک نیست، بلکه یک اقدام حساب‌شده جیوپولیتیکی است. این اقدام سرمایه‌گذاری بر نفوذ منطقه‌ای، پر جنجال در برابر سیاست‌های غرب و بیمه‌ای در برابر بی‌ثباتی است. بالاتر از این‌ها، تلاشی است تا مسکو خود را به عنوان یک میانجی ناگزیر در یوراسیا مطرح سازد.

کرم‌لین در این قمار بر این باور است که برای واشنگتن، ثبات، نه دموکراسی، ارزش کلیدی‌تری دارد. با تسلط طالبان بر قدرت، روسیه یک قطعه بازی نادر و قدرتمند در اختیار دارد: رژیمی با ثبات و منظم در قلب آسیا، آماده برای معامله در بلندترین سطح میزهای جهانی

آرشیف: مطالب نشرشده محترم احمد فواد ارسلان